

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قهوه‌خانه اشباح

(الکرنک)

تألیف: حبیب محفوظ

(برنده نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۸)

ترجمه:

دکتر مهدی پورآذر

دکتر مصیب قبادی

دکتر سیده مطهره معافی



نشر عصر زندگی

تأسیسات ۱۳۹۴

سرشناسه	: محفوظ، نجیب، ۱۹۱۲ - ۲۰۰۶ م.
عنوان قراردادی	: الکرنک . فارسی . Mahfuz, Najib
عنوان و نام پدیدآور	: قهوه‌خانه اشباح/ نجیب محفوظ؛ ترجمه مصیب قبادی، مهدی پورآذر، سیده‌مطهره معافی‌مدنی؛ ویراستار ادبی سیده‌مطهره معافی‌مدنی.
مشخصات نشر	: تبریز: عصر زندگی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص.
شابک	: ۱۰۰۰۰ ریال: ۷-۰-۹۵۳۹۹-۶۰۰-۹۷۸
سبب فهرست نویسی	: فیفا
موضوع	: داستان‌های عربی -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: قبادی، مصیب، ۱۳۶۵ - مترجم
شناسه افزوده	: پورآذر، مهدی، ۱۳۶۶ - مترجم
شناسه افزوده	: معافی‌مدنی، سیده‌مطهره، ۱۳۶۵ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: A ۹۴۲ ۱۳۹۴ ۴۰۳۳ ۷۰۴۰۳۳ / ح
رده‌بندی دیویی	: ۷۱۴/۸۴۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۷۱۴۴

عنوان: قهوه‌خانه اشباح

مؤلف: نجیب محفوظ

مترجم: مصیب قبادی، مهدی پورآذر، سیده‌مطهره معافی‌مدنی

طراحی جلد: ابوالفضل شهامت

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۴، ۱۰۰۰ نسخه

مونتاز و صفحه‌بندی: افرنگ

چاپ: سبز

ناشر: عصر زندگی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۹۹-۷-۰ (ISBN : 978- 600- 95399- 7- 0)

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

تلفن پخش: ۰۹۱۰ ۴۹۷ ۸۰۶۳ / ۰۹۳۷ ۴۸۸ ۰۰۱۵

دورنگار: ۰۴۱ ۳۳۸۲ ۵۷۲۲

همه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و در انحصار ناشر است

همه مسئولیت‌های مطالب کتاب برعهده مؤلف/ مترجم است

مقدمه مترجمان پیرامون نجیب محفوظ و رمان قهوه‌خانه اشباح

نجیب محفوظ سال ۱۹۱۹ در یکی از محله‌های مشهور قاهره به نام «جمالیه» چشم به جهان گشود؛ جایی که نام آن در آثار وی از جمله خان الخلیلی (۱۹۴۶) و زقاق المدق (۱۹۴۷) بسیار به چشم می‌خورد. او در سپیده دم یکی از چهارشنبه‌های سال ۲۰۰۶ در سن هشتاد و هفت سالگی چشم از جهان فرو بست.

نجیب محفوظ پیش از ورود به مدرسه ابتدایی چند سالی را در مکتب‌خانه گذراند و در آنجا به نظر چند جزء قرآن و یادگیری اصول خواندن و نوشتن عربی پرداخت؛ از این ورود در سن ۹ سالگی وارد مدرسه ابتدایی شد. او در سال ۱۹۳۰ پس از دریافت دیپلم به دانشگاه قاهره پیوست و سال ۱۹۳۴ موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته فلسفه شد. وی در مقطع کارشناسی ارشد نیز رشته فلسفه را انتخاب نمود و موضوع رساله‌ی خود را «فلسفه زیبایی‌شناسی» قرار داد که مرتبط با علاقه اصلی خود یعنی ادبیات بود. در آن زمان به نگارش داستان کوتاه و مقاله نیز می‌پرداخت اما بعدها به دلیل علاقه‌ی شدید به ادبیات، خود را وقف داستان کرد و نوشتن مقاله و به طور کلی تحصیل را رها نمود. خود را در این باره گفته است که در دوران تحصیلات دانشگاهی در یک دست‌اش کتاب‌های از مکتب‌های فلسفی بود و در دست دیگرش رمان‌هایی از برخی بزرگان ادبیات مصر مصر چون طه حسین و یحیی حقی و توفیق حکیم، و همین امر او را دچار کشمکش می‌کرد، اما در این کشمکش جانب داستان را گرفت.

نجیب محفوظ مسئولیت‌های اداری مختلفی را در دوران زندگی ۸۷ ساله خود بر عهده داشت. سال ۱۹۵۰ معاون پارلمانی وزیر اوقاف بود. در سال ۱۹۵۲ ریاست

دفتر وزیر ارشاد ملی را بر عهده داشت، و از سال ۱۹۵۹ مدیر نظارت بر مؤلفات سینمایی و نمایش‌نامه بود تا اینکه در سال ۱۹۷۱ بازنشسته شد.

مطالعات ادبی نجیب محفوظ از زمان کودکی با رمان‌هایی که پیرنگی پلیسی عاشقانه داشتند و همچنین آثار رمان‌نویس مشهور مصری، مصطفی لطفی منقلوطی آغاز شد. بعدها مطالعات خود را با خواندن آثار نویسندگان کلاسیک عربی و هم-عصرانش و آثاری از بزرگان ادبیات در سایر کشورها چون تولستوی، داستایوفسکی، جیمز جویس، کافکا، چخوف، موپاسان، پروست، شکسپیر، یوجین اونیل، حافظ شیرازی و... عمیق‌تر کرد.

اولین اثر داستانی نجیب محفوظ مجموعه داستان «همس جنون» در سال ۱۹۳۸ منتشر شد. سپس رمان‌هایی از او انتشار یافت که صبغه‌ای تاریخی داشتند و به تاریخ باستانی مصر در قالب داستان می‌پرداختند؛ آثاری چون عبث الأقدار (۱۹۳۹)، رادویس (۱۹۴۳) و کفاح طيبة (۱۹۴۴). او در ادامه تغییر مسیر داد و به نوشتن رمان‌هایی ناتورالیستی و رئالیستی تمایل پیدا کرد و به جنبه‌های منفی و رذایل طبقه‌های پایین و نیز بورژوازی جامعه مصری در قالب رمان‌هایی چون القاهرة الجديدة (۱۹۴۵)، خان الخلیلی (۱۹۴۶)، زقاق المدق (۱۹۴۷)، بدایة و نهایة (۱۹۴۹) پرداخت. وی رمان سراب (۱۹۴۸) را متأثر از نظریه روان‌شناسی زیگموند فروید اثریشی و به خصوص عقده اودیپ نوشت و در آن به قهرمایی می‌پرداخت که از این عقده رنج می‌برد. سپس سه گانه مشهور بین القصرین (۱۹۵۶)، قصر الشوق (۱۹۵۷) و السکرية (۱۹۵۷) را به رشته تحریر درآورد. او در این رمان‌ها به جامعه محافظه‌کار مصری در سال‌های ابتدایی قرن بیستم پرداخته و تحولات ناشی از تمدن غربی را به تصویر کشیده است.

نجیب محفوظ در سال ۱۹۵۹ با انتشار رمان «أولاد حارتنا» جایگاه خود را در دنیای رمان تثبیت نمود. پس از این دوره سایر رمان‌های نجیب محفوظ بر اساس تجربه رمان‌نویسی پیشین وی نوشته شده‌اند و آثاری تماد گرایانه چون «اللص و الكلاب» (۱۹۶۱) و همچنین رمان‌هایی را شامل می‌شوند که غالی شکری (تحلیل - گر رمان) آن‌ها را به «واقع‌گرایی اگزیستانسیالیستی» نسبت می‌دهد. از جمله آن‌ها می‌توان به رمان السمان و الخریف (۱۹۶۲) اشاره نمود.

نجیب محفوظ به پاس مجموعه آثار خود و از جمله رمان «أولاد حارتنا» در سال ۱۹۸۸ موفق به دریافت جایزه نوبل شد.

اگرچه نگارنده رمان حامر را در سال ۱۹۷۱ نگاشته است اما این اثر به دلیل مضامین انتقادی پس از سه سال اجازه انتشار یافت. این رمان بیانگر اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه مصر و به خصوص جوانان مبارز و تحصیل‌کرده مصری در سال‌های پس از انقلاب ژوئیه است؛ آثاری که به دست افسران ارتش آزاد مصر به رهبری جمال عبد الناصر و محمد نجیب راقم خرد و با برجیدن نظام پادشاهی در مصر نظام جمهوری را در آن مستقر نمود.

رمانی که از نظر خواننده گرامی می‌گذرد، ترجمه رمان «بکرک» (۱۹۷۱) است که به قهوه‌خانه‌ای در یکی از خیابان‌های قاهره اشاره دارد. مترجمان این دلیل نام نه چندان ملموس رمان، عنوان «قهوه‌خانه اشباح» را برای اثر مذکور برگزیده‌اند. این نام‌گذاری مبتنی بر دیالوگی از زبان شخصیت قرقفله در وصف مشتریان قهوه‌خانه

^۱. بخش قابل توجه مطالب مذکور برگرفته از رساله «آراء نجیب محفوظ فی ضوء العقيدة

الإسلامية» است که ایمان عایض العسیری آن را در سال ۲۰۱۰ به رشته تحریر درآورده است.

است. این رمان در چهار فصل تنظیم شده است و هر فصل آن به نام یکی از شخصیت‌های اصلی رمان است. نکته جالب توجه این‌که شخصیت‌های دیگری نیز چون حلمی حماده در رمان حضوری پررنگ دارند اما این شخصیت در ضمن چند فصل به خواننده معرفی شده و سرنوشت وی دنبال می‌شود. این امر بیانگر آن است که در ساختار فرمی رمان دلالت‌هایی معنایی نهفته است.

در رمان «قهوه‌خانه اشباح» راوی یکی از مشتریان ثابت قهوه‌خانه کرنک است که رابطه‌ی رستی نزدیکی با برخی از شخصیت‌های اصلی رمان دارد. راوی ابتدا از دور شاهد وقایعی است که برای شخصیت‌های رمان اتفاق می‌افتد ولی پس از برقراری ارتباط دوست و گفتگو با آن‌ها، از رازهایی هولناک با خبر می‌شود که پیش‌تر بر او و خواننده پوشیده بوده است. همین امر سبب شده است تا دیالوگ نقش تعیین‌کننده‌ای را در رمان ایفا کند. یکی از ویژگی‌های ساختاری آن باشد. از دیگر ویژگی‌های قابل ذکر رمان زمینه‌سازن نویسنده برای تداوم روایت در ذهن خواننده از طریق رنگ‌واژه یا سه نقاد است و این امر در بسیاری از بخش‌های رمان بدون ناتمام ماندن جمله یا ایجاد ابهام، معنا، اتفاق می‌افتد.